



موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
The Institute for Trade Studies & Research

راهکارهای برون‌رفت از تورم مزمن (درس‌های جهانی و نقش وزارت صمت)

پژوهشکده توسعه صنعتی و معدنی
گروه مطالعات و پژوهش‌های صنعت

سیرانه‌گذاری برای تولید

نهمین ماه ۱۴۰۴



فهرست مطالب

۵	چکیده
۹	مقدمه
۹	بخش اول: تشریح موضوع و علل پیدایش تورم
۹	۱-۱. چارچوب نظری تورم: تقاضا، عرضه و انتظارات
۱۰	۲-۱. کالبدشکافی بحران‌های تورمی جهانی: یک تحلیل تطبیقی
۱۰	۱-۲-۱. ابرتورم‌ها: مارپیچ پول و فروپاشی اعتماد
۱۱	۲-۲-۱. تورم مزمن: ریشه‌های ساختاری و مالی
۱۲	۳-۲-۱. شوک‌های عرضه و تورم‌های مقطعی
۱۳	بخش دوم: یافته‌های کلیدی از تجارب جهانی
۱۳	۱-۲. الگوهای مشترک در سیاست‌های دولتی و نتایج آن‌ها
۱۳	۱-۱-۲. سیاست‌های سرکوبگر ناموفق: کنترل قیمت، جیره‌بندی و اقتصاد سیاه
۱۳	۲-۱-۲. اصلاحات موفق: لنگر اسمی، انضباط مالی و اعتبار
۱۵	۲-۲. نقش حیاتی نهادها و انتظارات
۱۵	۳-۲. پیامدهای اجتماعی و تغییرات رفتاری
۱۶	بخش سوم: تورم مزمن در ایران
۱۶	۱-۳. مقدمه‌ای بر تورم ایران: از معضل ادواری تا پدیده مزمن ساختاری
۱۶	۲-۳. تورم ایران در آیین برنامه‌های توسعه ۷ گانه: شکاف میان اهداف و واقعیت
۱۸	۳-۳. تورم ایران: پیشایندها، فرایندها و پیامدها (چارچوب مفهومی و آثار)
۱۸	پیشایندها (عوامل زمینه‌ساز)
۱۸	فرایندها (مکانیسم‌های تداوم)
۱۹	پیامدها (آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی)
۲۱	بخش چهارم: توصیه‌های سیاستی برای اقتصاد ایران
۲۱	۱-۴. تشخیص بیماری: ریشه‌های تورم مزمن و ساختاری در ایران
۲۲	۲-۴. نسخه سیاستی جامع و مرحله‌بندی شده
۲۲	فاز اول: اقدام فوری و اعتمادساز (۶ ماهه)
۲۲	فاز دوم: اصلاحات بنیادین (۱ تا ۳ ساله)
۲۳	فاز سوم: تثبیت بلندمدت و رشد پایدار
۲۴	۳-۴. مدیریت پیامدهای اجتماعی: طراحی شبکه ایمنی کارآمد
۲۶	منابع و مراجع





چکیده

این گزارش به بررسی ریشه‌های ساختاری تورم در ایران، ناکامی برنامه‌های توسعه، درس‌های جهانی و ارائه یک نقشه راه عملیاتی می‌پردازد. خلاصه نتایج گزارش بدین شرح است:

۱. مسئله: از چالش ادواری تا بیماری ساختاری

اقتصاد ایران دهه‌هاست که با تورم مزمن و دو رقمی درگیر است و این پدیده از مشکلاتی ادواری به ویژگی ساختاری اقتصاد ایران تبدیل شده است.

■ **شکاف واقعیت و هدف:** در حالی که برنامه هفتم توسعه کاهش تورم به ۹.۵ درصد را هدف‌گذاری

کرده، نرخ تورم محقق شده در سال ۱۴۰۳ حدود ۳۲.۵ درصد و میانگین سالیانه آن در سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۳ حدود ۲۴ درصد است.

■ **شکست برنامه‌ریزی:** بررسی برنامه‌های توسعه (اول تا ششم) نشان می‌دهد که اهداف تورمی عمدتاً

محقق نشده‌اند. دلیل اصلی این شکست، «سلطه مالی» است؛ وضعیتی که در آن سیاست پولی قربانی جبران کسری بودجه دولت می‌شود.

۲. تشخیص بیماری: ریشه‌های چهارگانه تورم در ایران

این گزارش چهار عامل اصلی را به عنوان موتور محرک تورم در ایران شناسایی کرده است:

- **آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های خارجی:** تحریم‌ها و جهش‌های ارزی که هم هزینه واردات را بالا می‌برند و هم انتظارات را شعله‌ور می‌کنند.
- **سلطه مالی و کسری بودجه:** وابستگی بودجه به نفت و تأمین کسری از طریق استقراض (مستقیم یا غیرمستقیم) از بانک مرکزی (عواملی مانند تشکیلات بودجه خانوار بزرگ و بهره‌وری ضعیف در هزینه‌های دولتی، تاثیر مهمی در هم افزایش هزینه‌ها و هم عدم زیرساخت‌سازی توسعه‌ای مهم اثرگذار بر پایه تولید و درآمدهای مالیاتی دارند).
- **ناترازی شبکه بانکی:** خلق نقدینگی درون‌زا توسط بانک‌های ناتراز که برای بقا به منابع بانک مرکزی متکی هستند (بخشی از چالش ناترازی بانکی ناشی از تعریف نادرست پروژه‌های سرمایه‌گذاری و هدایت منابع بانکی به سوی این پروژه‌ها و در نتیجه قفل شدن این منابع در پروژه‌های ناتمام خیلی زیاد است).
- **لنگرگاه انتظارات (چسبندگی تورمی) و شاخص بندی قیمت‌ها با نرخ ارز و با دستمزدها:** انتظارات تورمی در ایران «گذشته‌نگر» و چسبنده هستند. نرخ ارز غیررسمی به عنوان لنگر ذهنی جامعه عمل می‌کند و هر نوسانی در آن به سرعت به قیمت‌ها منتقل می‌شود (اثر عبور بالا).

۳. درس‌های جهانی: بایدها و نبایدها

بررسی تجارب کشورهایمانند آلمان، برزیل، اتریش، یونان و ونزوئلا نشان می‌دهد:

- **سیاست‌های شکست خورده:** کنترل دستوری قیمت، جیره‌بندی و سرکوب ارزی همواره به کمبود کالا، بازار سیاه و فساد منجر شده و شکست خورده‌اند.
- **سیاست‌های موفق:** موفقیت در مهار تورم نیازمند سه رکن است: (۱) ایجاد یک «لنگر اسمی» معتبر (۲) انضباط مالی قاطع (قطع دسترسی دولت به چاپ پول) (۳) اصلاحات نهادی جدی اثرگذار بر دخل و خرج دولت با هدف بازسازی اعتبار.
- **مثال موفق:** برزیل با طرح «رنال» و ایجاد یک واحد محاسباتی مجازی (URV) توانست حافظه تورمی را پاک کند و بدون سرکوب قیمت‌ها، ثبات را بازگرداند.

۴. نقشه راه پیشنهادی: بسته سیاستی سه مرحله‌ای

برای درمان تورم مزمن ایران، یک برنامه جامع سه مرحله‌ای با توالی زمانی مشخص پیشنهاد شده است:



راهکارهای برون‌رفت از تورم مزمن (درس‌های جهانی و نقش وزارت صمت)

فاز اول: اقدام فوری و اعتمادساز (۶ ماه)

هدف: شکستن ماریپیچ انتظارات و ارسال سیگنال تغییر سیاست.

اقدامات: اعلام رسمی برنامه تثبیت، تعیین لنگر اسمی شفاف (مانند سقف رشد پایه پولی) و توقف کامل استقراض جدید دولت و بانک‌های ناتراز از بانک مرکزی. (بدیهی است پیش شرط این اقدام، کنترل هزینه‌ها و انضباط بودجه‌ای است؛ در غیر این صورت، تأمین مالی از طریق اوراق بدهی نیز در نهایت به افزایش تعهدات بانک مرکزی می‌انجامد.)

نقش وزارت صمت: حفظ جریان عرضه کالاهای اساسی و جلوگیری از بروز کمبود یا احتکار، به منظور حمایت از اعتماد عمومی و ثبات بازار کالا در دوره تعدیل انتظارات.

فاز دوم: اصلاحات بنیادین (۱ تا ۳ سال)

هدف: خشکاندن ریشه‌های خلق نقدینگی.

اقدامات: اعطای استقلال عملیاتی به بانک مرکزی، اصلاح ساختار بودجه (کاهش وابستگی به نفت و تقویت پایه‌های مالیاتی از مسیر گسترش مالیات بر بخش‌های معاف و افزایش درآمد تولید)، و اجرای برنامه «گزییر» برای ساماندهی یا تصفیه بانک‌های ناتراز.

نقش وزارت صمت: تسهیل‌گر اصلاحات از طریق مقررات‌زدایی هدفمند در تولید و صادرات، به منظور کاهش هزینه‌های عملیاتی بنگاه‌ها و افزایش تاب‌آوری بخش واقعی در برابر تعدیل‌های پولی و مالی.

فاز سوم: تثبیت بلندمدت

هدف: پایداری رشد، افزایش بهره‌وری و ثبات پایدار قیمت‌ها.

اقدامات: اصلاحات سمت عرضه، بهبود محیط کسب و کار، تسهیل سرمایه‌گذاری و ارتقای شفافیت زنجیره تولید و توزیع.

نقش وزارت صمت: بازیگر اصلی این مرحله از طریق اجرای بسته سیاستی عرضه‌محور شامل:

- فعال‌سازی ظرفیت‌های تولید راکد و توسعه مدل «تولید بدون کارخانه»،
- کاهش اصطکاک مقرراتی و تسهیل فرایندهای مجوزدهی،
- قاعده‌مند کردن تنظیم بازار بر پایه تعهد عرضه داخلی به جای قیمت‌گذاری دستوری،
- مدیریت هوشمند صادرات به نفع تعادل بازار داخل،
- و تکمیل سامانه رهگیری زنجیره تأمین برای شفاف‌سازی جریان کالاها.

این اقدامات، نقش وزارت صمت را به‌عنوان ستون ثبات بخش تورم بخشی و عامل مکمل سیاست‌های پولی و مالی تثبیت می‌کند.



الزامات اجتماعی و سیاسی

▪ **شبکه ایمنی:** اجرای این اصلاحات در کوتاه‌مدت رکودزا خواهد بود؛ بنابراین لازم است یارانه‌های پنهان انرژی با پرداخت‌های نقدی هدفمند به دهک‌های پایین جایگزین شود تا شوک رفاهی کاهش یابد.

▪ **اراده سیاسی:** چالش اصلی فنی نیست، بلکه اقتصاد سیاسی است. موفقیت اصلاحات در گروهی اجماع حاکمیتی برای پذیرش هزینه کوتاه‌مدت به منظور دستیابی به ثبات و رشد بلندمدت است.

در نهایت می‌توان بیان داشت که راهکارهای فنی و کنترلی موجود قادر به مهار پایدار تورم نیستند. تنها مسیر نجات اقتصاد ایران، یک «شوک اعتباری مثبت» از مسیر انضباط مالی سخت‌گیرانه، اصلاح بانک‌ها و احیای سمت عرضه صنعتی است؛ جایی که سیاست‌های کلان پولی و مالی با اقدامات فعال وزارت صمت در بازار کالا تکمیل می‌شوند.



مقدمه

تورم، پدیده‌ای فراتر از یک شاخص اقتصادی صرف، یک نیروی مخرب اجتماعی و اقتصادی است که با فرسایش مستمر قدرت خرید خانوارها، تشدید نابرابری، ایجاد نااطمینانی و تضعیف انگیزه برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، مسیر رشد پایدار را مسدود می‌کند. اقتصاد ایران دهه‌هاست که با پدیده تورم مزمن و دورقمی دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ چالشی که از یک مسئله ادواری به یک ویژگی ساختاری اقتصاد کشور بدل شده است. این وضعیت، ضرورت یک تحلیل عمیق و ریشه‌ای را دوچندان می‌کند. هدف این گزارش، ارائه تحلیلی جامع از پدیده تورم با بهره‌گیری از رویکرد تطبیقی گسترده است. با کالبدشکافی بحران‌های تورمی بزرگ در تاریخ معاصر جهان، از ابرتورم‌های ویرانگر گرفته تا دوره‌های تورم مزمن، این گزارش به دنبال شناسایی الگوهای مشترک در علل، پاسخ‌های سیاستی و واکنش‌های اجتماعی است. در نهایت، با استناد به این درس‌های جهانی و تطبیق آن‌ها با ویژگی‌های منحصر به فرد اقتصاد ایران، نقشه راه سیاستی جامع، عملیاتی و مبتنی بر شواهد برای دستیابی به ثبات پایدار قیمت‌ها و مهار این بیماری مزمن اقتصادی ارائه خواهد شد.

بخش اول: تشریح موضوع و علل پیدایش تورم

۱-۱. چارچوب نظری تورم: تقاضا، عرضه و انتظارات

برای درک عمیق پدیده تورم، ابتدا باید مبانی نظری آن را شناخت. معمولاً اعتقاد جریانی از اقتصاددانان بر این است که در هسته خود، تورم پایدار یک پدیده پولی است که از رشد حجم نقدینگی مازاد بر رشد تولید واقعی کالاها و خدمات در اقتصاد نشأت می‌گیرد. با وجود این، بهتر است علل تورم را به سه منشأ اصلی (سرچشمه) زیر تقسیم کنیم:

- **تورم ناشی از فشار تقاضا:** این نوع تورم زمانی رخ می‌دهد که تقاضای کل در اقتصاد (مجموع تقاضای مصرف‌کنندگان، بنگاه‌ها و دولت) از ظرفیت تولیدی آن فراتر رود. سیاست‌های مالی انبساطی، به‌ویژه کسری بودجه دولت که از طریق استقراض از نظام بانکی یا چاپ پول تأمین مالی می‌شود، و همچنین سیاست‌های پولی انبساطی بانک مرکزی، با افزایش حجم پول در دست مردم، تقاضا را به شکلی ناپایدار تحریک کرده و به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها منجر می‌شوند.
- **تورم ناشی از فشار هزینه^۱:** این نوع تورم از سمت عرضه اقتصاد نشأت می‌گیرد. شوک‌های منفی عرضه، مانند افزایش ناگهانی قیمت حامل‌های انرژی (نظیر شوک نفتی دهه ۱۹۷۰ در ایتالیا)، افزایش

1. Demand-Pull

2. Cost-Push



دستمزدها بدون افزایش متناظر در بهره‌وری، یا کاهش ارزش پول ملی که هزینه واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای را بالا می‌برد، هزینه‌های تولید را افزایش داده و این افزایش هزینه در نهایت به مصرف‌کننده منتقل می‌شود (این مورد نقض نظریه‌های حدی پولی بودن تورم است).

- **نقش محوری انتظارات تورمی و شاخص بندی قیمت‌ها با نرخ ارز و دستمزدها:** شاید کلیدی‌ترین عنصر در تداوم تورم، به‌ویژه تورم‌های مزمن، نقش انتظارات باشد. زمانی که خانوارها و بنگاه‌ها انتظار دارند که قیمت‌ها در آینده افزایش یابد، رفتار خود را بر اساس این انتظار تنظیم می‌کنند. کارگران خواستار دستمزدهای بالاتر می‌شوند، بنگاه‌ها قیمت محصولات خود را افزایش می‌دهند و مصرف‌کنندگان خریدهای خود را برای جلوگیری از گرانی آینده، تسریع می‌کنند. این رفتارها خود به یک «پیش‌گویی خودتحقق‌بخش» تبدیل می‌شود و چسبندگی تورمی قدرتمندی ایجاد می‌کند که شکستن آن بسیار دشوار است. این پدیده در درک تورم‌های مزمن در کشورهایمانند آرژانتین و ایران نقشی حیاتی دارد.

۲-۱. کالبدشکافی بحران‌های تورمی جهانی: یک تحلیل تطبیقی

داده‌های تاریخی مجموعه‌ای غنی از تجارب را برای تحلیل انواع مختلف بحران‌های تورمی فراهم می‌کند. این بحران‌ها را می‌توان به سه دسته اصلی طبقه‌بندی کرد:

۱-۲-۱. ابرتورم‌ها: ماریج پول و فروپاشی اعتماد

ابرتورم‌ها، که معمولاً به تورم ماهیانه بالاتر از ۵۰ درصد اطلاق می‌شود، تقریباً همیشه نقطه تلاقی یک شوک اقتصادی-سیاسی عظیم، ناتوانی کامل دولت در تأمین مالی از مسیرهای غیرتورمی (مالیات یا استقراض) و در نتیجه، فروپاشی مطلق اعتماد به پول ملی هستند.

- **مورد آلمان (۱۹۲۳-۱۹۲۱):** این مورد کلاسیک، محصول ترکیبی از هزینه‌های سنگین جنگ جهانی اول، تعهد به پرداخت غرامت‌های جنگی کمرشکن و امتناع دولت از افزایش مالیات‌ها بود. دولت برای تأمین کسری بودجه عظیم خود، به چاپ گسترده پول روی آورد. نتیجه، یک ماریج تورمی ویرانگر بود که در آن قیمت نان بین ژانویه ۱۹۲۱ تا نوامبر ۱۹۲۳ بیش از ۲٫۵ میلیون درصد افزایش یافت. واکنش عمومی شامل روی آوردن به بازار سیاه، جایگزینی کالاهای ارزان‌تر و حتی استفاده از اسکناس به‌عنوان سوخت بود (ویر، ۲۰۲۶).

- **مورد زیمبابوه (۲۰۰۹-۲۰۰۷):** این بحران ریشه در فروپاشی بخش کشاورزی به دنبال سیاست مصادره زمین‌ها داشت که منجر به سقوط شدید تولید و عرضه مواد غذایی شد. دولت برای تأمین هزینه‌های خود و در مواجهه با تحریم‌های بین‌المللی، به چاپ بی‌رویه پول متوسل شد. قیمت آرد ذرت، غذای



راهکارهای برون‌رفت از تورم مزمن (درس‌های جهانی و نقش وزارت صمت)

اصلی مردم، در یک سال حدود ۴۰ میلیون درصد افزایش یافت و کشور با کمبود شدید دارو، سوخت و سایر کالاهای اساسی مواجه شد (هانکه، ۲۰۰۹).

■ **مورد اتریش پس از جنگ جهانی اول (۱۹۲۲-۱۹۲۱):** بحران مالی اتریش پس از جنگ ناشی از حجم عظیم بدهی‌های دولتی، از دست دادن قلمروهای اقتصادی و اختلال در تولید صنعتی بود. دولت برای پوشش کسری بودجه به صدور اسکناس روی آورد که منجر به کاهش شدید ارزش شیلینگ و افزایش سریع قیمت‌ها شد؛ در اوج بحران، موجی از فرار سرمایه و روی آوردن به ارزهای خارجی رخ داد که تجارت داخلی را فلج کرد و طبقات میانی را به فقر کشاند (هاینز، ۱۹۳۰).

■ **مورد یونان در دهه ۱۹۴۰ (۱۹۵۳-۱۹۴۴):** جنگ جهانی دوم و اشغال کشور باعث نابودی بخش بزرگی از اقتصاد یونان، اختلال در نظام مالیاتی و افزایش هزینه‌های دولتی شد. دولت‌های موقت و متوالی برای تأمین هزینه‌های بازسازی و پرداخت حقوق از طریق چاپ پول اقدام کردند که منجر به ابرتورم شد؛ در پی آن، اصلاحات پولی و تثبیت مالی با کمک برنامه‌های بین‌المللی، از جمله بازسازی واحد پولی، به مهار تورم کمک کرد (پاپادیماکیس، ۱۹۵۷).

■ **مورد ونزوئلا (۲۰۱۸-۲۰۱۴):** کاهش شدید درآمدهای نفتی به علت افت قیمت نفت و مدیریت اقتصادی نامناسب باعث کسری بودجه بزرگ و کاهش تولید داخلی شد. دولت به چاپ پول و کنترل قیمت‌ها متوسل شد؛ ترکیب کمبود کالا، سقوط تولید ناخالص داخلی و کاهش اعتماد به بولیوار باعث افزایش تورم به سطوح چند میلیون درصد و فرار سرمایه گسترده شد (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۸).

این موارد نشان می‌دهند که چاپ پول به خودی خود علت اصلی ابرتورم نیست، بلکه در مقام معلول، پاسخی ناکارآمد به بحرانی عمیق‌تر (بدهی جنگی در آلمان، فروپاشی تولید در زیمبابوه) است. ریشه اصلی، ناتوانی ساختاری دولت در مواجهه با شوک و تأمین مالی سالم است. بنابراین، راه حل نیز باید فراتر از سیاست پولی صرف باشد و به اصلاحات ساختاری و مالی بپردازد.

۲-۲-۱. تورم مزمن: ریشه‌های ساختاری و مالی

تورم مزمن، وضعیتی است که در آن یک کشور برای سال‌ها یا دهه‌ها با تورم بالا اما نه ابرتورمی، دست به گریبان است. این پدیده معمولاً ریشه در مشکلات ساختاری عمیق دارد.

■ **مورد آرژانتین و برزیل (قبل از ۱۹۹۴):** این دو کشور برای دهه‌ها با تورم‌های دو و سه رقمی مواجه بودند. علت اصلی، کسری بودجه‌های بزرگ و ساختاری دولت بود که به طور مداوم از طریق خلق پول تأمین مالی می‌شد. این امر انتظارات تورمی را در جامعه نهادینه کرده بود، به طوری که تمام

قراردادها و دستمزدها به طور خودکار با تورم گذشته شاخص‌بندی می‌شدند و یک چسبندگی قدرتمند ایجاد می‌کردند. واکنش عمومی شامل تلاش برای حفظ ارزش دارایی‌ها از طریق خرید ملک، طلا یا ارز خارجی و جایگزینی کالاهای گران مانند گوشت با اقلام ارزان‌تر بود. (فرانکل، ۲۰۱۹)

- **مورد لبنان (۲۰۲۱-۲۰۱۹):** این بحران مدرن، نمونه‌ای از تورم ناشی از فروپاشی همزمان نظام بانکی، بحران بدهی دولتی و سقوط ارزش پول ملی است. ترکیبی از فساد گسترده، سیاست‌های پولی ناپایدار و کاهش شدید واردات، منجر به افزایش چند هزار درصدی قیمت مواد غذایی و کمبود گسترده دارو شد و بخش بزرگی از جمعیت را به زیر خط فقر کشاند (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۸).

۳-۲-۱. شوک‌های عرضه و تورم‌های مقطعی

گاهی تورم‌های شدید در بازه‌های زمانی کوتاه‌تر، ناشی از شوک‌های ناگهانی به سمت عرضه اقتصاد هستند. این شوک‌ها می‌توانند ناشی از سیاست‌های داخلی نادرست یا تحولات خارجی باشند.

- **مورد سریلانکا (۲۰۲۲-۲۰۲۱):** یک تصمیم سیاستی ناگهانی برای ممنوعیت واردات کود شیمیایی با هدف ترویج کشاورزی ارگانیک، منجر به کاهش شدید تولید محصولات کشاورزی، به ویژه برنج، و به دنبال آن افزایش شدید قیمت مواد غذایی، تخلیه ذخایر ارزی کشور برای واردات غذا و در نهایت یک بحران ارزی تمام‌عیار و کمبود سوخت و دارو گردید (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۲۲).

- **مورد مصر (۱۹۷۷ و ۲۰۱۷-۲۰۱۶):** هر دو دوره تورمی در مصر پس از اجرای اصلاحات در نظام یارانه‌ها رخ داد. در سال ۱۹۷۷، تلاش برای کاهش یارانه نان منجر به شورش‌های گسترده موسوم به «شورش نان» شد (در سال ۲۰۰۷ نیز به دنبال افزایش قیمت‌های جهانی مواد غذایی در مصر و سایر کشورهای آفریقایی شورش‌هایی با تلفات جانی رخ داد). در سال ۲۰۱۶ نیز، اصلاحات اقتصادی شامل شناورسازی نرخ ارز و کاهش یارانه‌ها، به جهش قیمت‌ها منجر شد. این موارد نشان می‌دهند که اصلاحات ساختاری ضروری، اگر با طراحی شبکه‌های حمایتی مناسب همراه نباشند، می‌توانند هزینه‌های اجتماعی سنگینی به همراه داشته باشند (بانک جهانی، ۲۰۱۷).

همچنین تجربه بحران‌هایی مانند بحران مالی آسیا در ۱۹۹۷ و بحران بدهی اروپا نشان می‌دهد که ضعف‌های ساختاری داخلی (مانند بدهی بالای شرکتی یا دولتی) یک کشور را در برابر شوک‌های خارجی (مانند خروج ناگهانی سرمایه) به شدت آسیب‌پذیر می‌کند. تا زمانی که شرایط جهانی مساعد است، این ضعف‌ها پنهان می‌مانند، اما با وقوع یک شوک، بحران با شدتی چند برابر ظهور می‌کند. این درسی حیاتی برای اقتصاد ایران است که به دلیل وابستگی به درآمدهای نفتی و انزوای بین‌المللی، همواره در معرض شوک‌های خارجی قرار دارد.



بخش دوم: یافته‌های کلیدی از تجارب جهانی

تحلیل تجارب جهانی در مواجهه با تورم، الگوهای مشخصی از سیاست‌های موفق و ناموفق را آشکار می‌سازد. این یافته‌ها نه تنها درک ما را از پویایی (دینامیک) تورم عمیق‌تر می‌کنند، بلکه راهنمای عملی برای سیاست‌گذاران فراهم می‌آورند.

۱-۲. الگوهای مشترک در سیاست‌های دولتی و نتایج آن‌ها

۱-۱-۲. سیاست‌های سرکوبگر ناموفق: کنترل قیمت، جیره‌بندی و اقتصاد سیاه

یک واکنش رایج و در عین حال ناکارآمد دولت‌ها در برابر تورم، تلاش برای سرکوب قیمت‌ها از طریق قیمت‌گذاری دستوری، کنترل نرخ ارز و جیره‌بندی کالاهاست. تجارب متعدد در کشورهایی مانند ونزوئلا، آلمان، آرژانتین و ایران نشان می‌دهد که این سیاست‌ها تقریباً همیشه به نتایج معکوس منجر می‌شوند. آن‌ها به جای درمان علت/علل اصلی تورم صرفاً علائم آن را به طور موقت پنهان می‌کنند. نتیجه نهایی، ایجاد کمبود گسترده کالا در قفسه فروشگاه‌ها، کاهش کیفیت محصولات، شکل‌گیری بازارهای سیاه گسترده برای تأمین نیازها با قیمت‌های گزاف، و ایجاد رانت و فساد است.

۲-۱-۲. اصلاحات موفق: لنگر اسمی^۱، انضباط مالی و اعتبار

در مقابل، برنامه‌های موفق تثبیت تورم، همگی بر ترکیبی از سه عنصر کلیدی استوار بوده‌اند: ایجاد «لنگر اسمی» معتبر برای شکستن انتظارات تورمی^۲، برقراری انضباط مالی قاطع برای حذف ریشه اصلی خلق پول، و اصلاحات نهادی برای تضمین پایداری ثبات در بلندمدت.

▪ مورد اصلاحات پولی آلمان (۱۹۲۳): در اوج ابرتورم، دولت آلمان با معرفی واحد پولی جدیدی به نام

«رنتن مارک^۳»، اعتماد از دست رفته را بازگرداند. این پول جدید برخلاف مارک کاغذی بی‌ارزش، دارای پشتوانه دارایی‌های واقعی اقتصاد آلمان (زمین‌های کشاورزی و دارایی‌های صنعتی) بود. این اقدام با توقف کامل تأمین مالی کسری بودجه از طریق بانک مرکزی و اعطای استقلال به این نهاد همراه شد. نتیجه، مهار تقریباً فوری ابرتورم و بازگشت ثبات بود (اولریش، ۲۰۲۰).

▪ مورد برنامه رئال برزیل (۱۹۹۴): برای مقابله با تورم سالیانه بیش از ۲ هزار درصدی و مقاومت ناشی از

شاخص بندی گسترده، تیم اقتصادی برزیل یک راه حل هوشمندانه طراحی کرد. آن‌ها قبل از معرفی

1. nominal anchor

۲. لنگر اسمی: عبارت است از ابزاری که سیاست‌گذار بتواند به وسیله آن انتظارات عاملان اقتصادی در مورد تورم آینده را همگرا کند. سیاست‌گذار پولی در همه جای دنیا دو گزینه اصلی برای لنگر اسمی دارد: اول کنترل (و تثبیت) نرخ ارز و دوم استفاده از چارچوب هدف‌گذاری تورم.

3. Rentenmark



پول جدید (رئال)، یک واحد حساب مجازی به نام URV^۱ معرفی کردند که ارزش آن به دلار آمریکا وابسته بود. برای چند ماه، تمام قیمت‌ها و دستمزدها بر اساس URV اعلام می‌شد اما پرداخت‌ها همچنان با پول قدیمی (کروزیرو رئال) صورت می‌گرفت. این کار باعث شد که حافظه تورمی اقتصاد پاک شود و قیمت‌های نسبی در یک واحد باثبات، شفاف شوند. پس از این دوره گذار، پول جدید (رئال) با نرخ برابری یک به یک با URV معرفی شد. این اصلاح پولی با اصلاحات مالی و تجاری گسترده همراه بود و یکی از موفق‌ترین برنامه‌های تثبیت تورم در تاریخ را رقم زد (فریرا، ۲۰۱۸).

مقایسه این موارد موفق با موارد ناموفق یک تفاوت بنیادین را آشکار می‌کند و آنهم اعتبار است. بدین معنا که برنامه‌های آلمان و برزیل به دلیل قاطعیت، جامعیت و تعهد سیاسی سطح بالا، توانستند اعتبار لازم را در میان مردم و فعالان اقتصادی ایجاد کنند. اگر مردم باور کنند که سیاست‌گذار در مهار تورم جدی است، رفتار خود را تغییر می‌دهند؛ احتکار را متوقف می‌کنند، از فرار سرمایه می‌کنند و در مذاکرات دستمزد، انتظارات تورمی پایین‌تری را مبنا قرار می‌دهند. این تغییر رفتار، خود به عامل قدرتمندی در جهت کاهش تورم تبدیل می‌شود. در مقابل، سیاست‌های زیگزاگی و فاقد پشتوانه سیاسی قوی، اعتبار ندارند و قادر به تغییر انتظارات نیستند. این درس حیاتی برای ایران است که در آن سطح اعتماد عمومی به سیاست‌های اقتصادی پایین است و هر برنامه تثبیتی باید در وهله اول بر «ساخت اعتبار» متمرکز شود.

جدول ۱: تحلیل تطبیقی برنامه‌های موفق تثبیت اقتصادی

برزیل (۱۹۹۴)	آلمان (۱۹۲۳)	ویژگی
تورم مزمن بسیار بالا (سالانه < ۲۰۰۰ درصد)، شاخص بندی گسترده اقتصاد	ابرتورم (ماه‌بانه هزاران درصد)، کسری بودجه عظیم ناشی از غرامت جنگی	شرایط پیش از اصلاحات
معرفی واحد حساب مجازی (URV) برای شکستن چسبندگی و شاخص بندی	معرفی رنتن‌مارک با پشتوانه دارایی‌های واقعی (زمین و صنعت)	عنصر کلیدی لنگر اسمی
اصلاحات مالی برای کنترل کسری بودجه، آزادسازی تجاری	انضباط مالی شدید، توقف چاپ پول برای دولت، بانک مرکزی مستقل تا جای ممکن	اصلاحات مکمل
کاهش چشمگیر و پایدار تورم به سطوح تک‌رقمی، رشد اقتصادی	مهار سریع ابرتورم، بازگشت ثبات پولی و اقتصادی	نتیجه

منبع: یافته‌های مطالعه حاضر با استفاده از منابع مذکور در متن

1. Unidade Real de Valor (URV)



۲-۲. نقش حیاتی نهادها و انتظارات

تجارب جهانی نشان می‌دهد که اگرچه یک برنامه تثبیت هوشمندانه می‌تواند تورم را در کوتاه‌مدت مهار کند، اما پایداری این موفقیت در بلندمدت به کیفیت نهادهای اقتصادی بستگی دارد. کشورهایی که دارای بانک مرکزی مستقل و قوی (تا جای ممکن)، قوانین بودجه‌ای شفاف و الزام‌آور و حاکمیت قانون هستند، بهتر می‌توانند اعتبار سیاست‌های خود را حفظ کرده، انتظارات تورمی را در سطوح پایین مهار کنند. شکست‌های مکرر در کشورها بیش از آنکه ناشی از ضعف فنی باشد، ریشه در ضعف نهادی و فقدان استقلال حداقلی سیاست‌گذار پولی از فشارهای سیاسی دارد. مدیریت انتظارات از طریق ارتباطات شفاف، ارائه چشم‌انداز روشن از سیاست‌ها و پایبندی به قواعد از پیش تعیین‌شده (در مقابل تصمیم‌گیری‌های مصلحتی و روزمره)، یک ابزار سیاستی قدرتمند است که هزینه‌های مهار تورم را کاهش می‌دهد.

۲-۳. پیامدهای اجتماعی و تغییرات رفتاری

تورم بالا هزینه‌های انسانی سنگینی به همراه دارد. داده‌های تاریخی نشان‌دهنده الگوهای رفتاری مشترک در میان جوامع درگیر با تورم شدید است. الگوهایی مانند کاهش کیفیت رژیم غذایی و حذف پروتئین، روی آوردن به کشاورزی خانگی برای تأمین معاش، فروش دارایی‌های مولد، و در موارد شدید، مهاجرت نیروی کار و سرمایه. این تغییرات، رفاه اجتماعی را به شدت کاهش می‌دهد و می‌تواند به فرسایش سرمایه انسانی و اجتماعی منجر شود. از سوی دیگر، سیاست‌های ضدتورمی نیز در کوتاه‌مدت می‌تواند با ایجاد رکود و افزایش بیکاری، به اقشار آسیب‌پذیر فشار وارد کنند. تجربه «شورش نان» در مصر نشان می‌دهد که نادیده گرفتن پیامدهای اجتماعی اصلاحات اقتصادی می‌تواند به بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی منجر شود (متز، ۲۰۱۵). بنابراین، طراحی شبکه‌های ایمنی اجتماعی کارآمد، مانند یارانه‌های نقدی هدفمند، جزء لاینفک هر برنامه موفق تثبیت اقتصادی است.



بخش سوم: تورم مزمن در ایران

۱-۳. مقدمه‌ای بر تورم ایران: از معضل ادواری تا پدیده مزمن ساختاری

اقتصاد ایران دهه‌هاست که با پدیده تورم دست به‌گریبان است. تورم، که به معنای افزایش مستمر و عمومی سطح قیمت‌ها و در نتیجه کاهش مداوم ارزش پول ملی تعریف می‌شود، در ایران از چالش اقتصادی موقت به «بیماری مزمن» و ساختاری بدل شده است. تقریباً در تمام سال‌های پس از انقلاب، اقتصاد ایران در میان یکی از ۱۰ نرخ تورم بالا در جهان بوده است.

بررسی سری‌های زمانی بلندمدت منتشر شده بانک مرکزی و مرکز آمار، که سابقه آن به دهه ۱۳۱۰ شمسی باز می‌گردد، نشان‌دهنده پیوستگی تاریخی تورم است. در حالی که دوره‌هایی از ثبات نسبی و تورم‌های پایین‌تر (هرچند همچنان دورقمی) تجربه شده است، روند کلی، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، حاکی از سطوح بالای تورم و نوسانات شدید آن بوده است. داده‌های مرکز آمار ایران برای دوره ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۳ به وضوح این نوسانات را نشان می‌دهد؛ نرخ تورم سالیانه از ۶٫۸۶ درصد در سال ۱۳۹۵ به ۳۲٫۵ درصد در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته است. تحلیل دقیق‌تر داده‌های دهه ۱۳۹۰، نشان‌دهنده گسست ساختاری معناداری است. نرخ تورم که از ۱۵٫۶ درصد در سال ۱۳۹۳ به ۹٫۶ درصد در سال ۱۳۹۶ کاهش یافته بود، به‌طور ناگهانی در سال ۱۳۹۷ به ۳۱٫۲ درصد و در سال ۱۳۹۸ به ۴۱٫۲ درصد جهش کرد. این جهش ناشی از تکانه‌های (شوک‌های) شدید خارجی (بازگشت تحریم‌های اقتصادی)، نشان می‌دهد که ساختار اقتصاد ایران تا چه حد در برابر این تکانه‌ها آسیب‌پذیر است و امکان تثبیت تورم تک‌رقمی را برای دوره بلندمدت ندارد. این نشان می‌دهد که تورم در ایران پدیده پیچیده و چندوجهی است که توسط تکانه‌های (شوک‌های) ارزی و فشارهای طرف عرضه تشدید می‌شود و از طریق سازوکارهای (مکانیسم‌های) فرآیندی قدرتمندی مانند انتظارات تورمی و ماندگاری بالا، تداوم می‌یابد. درک این پدیده نیازمند تحلیلی فراتر از بررسی‌های کوتاه‌مدت و ورود به چارچوب تحلیلی جامع ساختاری است که در بخش‌های بعد به آن پرداخته خواهد شد.

۲-۳. تورم ایران در آیین برنامه‌های توسعه ۷ گانه: شکاف میان اهداف و واقعیت

یکی از بارزترین شواهد مزمن بودن بحران تورم در ایران، بررسی کارنامه برنامه‌های توسعه پنج‌ساله کشور است. این برنامه‌ها که به‌عنوان نقشه راه میان‌مدت کشور تدوین می‌شوند، همواره کنترل تورم را به‌عنوان یکی از اهداف کلان خود اعلام کرده‌اند. با این حال، تاریخچه این برنامه‌ها، روایتی از شکست نظام مند (سیستماتیک) در دستیابی به این اهداف است.



شکست ساختاری در برنامه‌ریزی

ایران با وجود سابقه طولانی در تدوین برنامه‌های توسعه، در دستیابی به اهداف کلان توسعه چندان توفیقی نداشته است. به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۱)، میانگین تحقق احکام برنامه‌های توسعه در شش برنامه تمام شده تنها حدود ۳۰ درصد بوده است. این عدم توفیق، ناشی از عواملی چون عدم اجماع نخبگان بر سر مفهوم توسعه و مهم‌تر از آن، تعیین اهداف بلندپروازانه بدون توجه به زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های واقعی کشور بوده است. در حوزه تورم، این شکاف میان هدف و واقعیت به وضوح مشهود است.

تحلیل تطبیقی عملکرد برنامه‌ها در مهار تورم

بررسی عملکرد برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی در محور «شاخص‌های پولی و کنترل تورم» نتایج قابل تاملی را نشان می‌دهد:

- **برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲) و دوم (۱۳۷۸-۱۳۷۲):** این برنامه‌ها که در دوران بازسازی پس از جنگ اجرا شدند، با وجود اهداف کنترلی، نتوانستند تورم را مهار کنند و برنامه دوم یکی از عملکردهای ضعیف را ثبت کرد. متوسط نرخ تورم سالیانه در این دو برنامه به ترتیب ۲۲ و ۱۸ بود.
- **برنامه سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹):** در ارزیابی‌های تطبیقی، برنامه سوم توسعه به دلیل دستیابی به رشد اقتصادی مناسب و مهم‌تر از آن، «کمترین متوسط نرخ تورم سالیانه (۱۵ درصد) در مقایسه با سایر برنامه‌ها، به‌عنوان برنامه با "بهترین عملکرد" در میان پنج برنامه اول رتبه‌بندی شده است.
- **برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴):** در این برنامه اهداف کمی بلندپروازانه قید شده بود که با ویژگی‌های ساختاری اقتصاد ایران تطابق نداشتند. متوسط نرخ تورم سالیانه در این برنامه ۱۸ درصد بود.
- **برنامه پنجم (۱۳۹۰-۱۳۹۴):** این برنامه نیز نتوانست به اهداف تورمی خود دست یابد و عملکردی ضعیف‌تر از برنامه‌های اول تا سوم داشت. متوسط نرخ تورم سالیانه در این برنامه ۲۵ درصد بود.
- **برنامه ششم (۱۳۹۶-۱۴۰۰):** در این برنامه، هدف‌گذاری اصلی، رساندن نرخ تورم به سطوح تک‌رقمی بود. اهداف مشخصی مانند تثبیت تورم در میانگین ۷٫۵ درصد یا کاهش آن به ۸٫۹ درصد تا پایان برنامه اعلام شد. با این حال، عملکرد واقعی برنامه، با ثبت تورم‌های دورقمی بالا و جهش‌های شدید پس از سال ۱۳۹۷، شکستی کامل در این محور محسوب می‌شود. میانگین نرخ تورم سالیانه در این برنامه ۳۵ درصد است.
- **برنامه هفتم (۱۴۰۳-۱۴۰۷):** این برنامه اهداف کمی بسیار جاه‌طلبانه‌ای را تعیین کرده است: کاهش نرخ تورم به ۹٫۵ درصد و کاهش نرخ رشد نقدینگی به ۱۳٫۸ درصد تا پایان سال ۱۴۰۷. این اهداف در حالی تعیین شده‌اند که بر اساس گزارش‌های رسمی، در سال ۱۴۰۳ (سال اول برنامه)، نرخ تورم محقق شده حدود ۳۲٫۵ درصد و نرخ رشد نقدینگی حدود ۳۵ درصد بوده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش تحلیلی برنامه‌های توسعه ایران پس از انقلاب).

ریشه شکست برنامه‌ها: سلطه مالی

این شکاف عظیم و مزمن میان اهداف تورمی برنامه‌های توسعه و عملکرد ثبت شده، عدم موفقیت ساده‌ای در برنامه‌ریزی نیست، بلکه نشان‌دهنده وجود تعارض ساختاری عمیقی در اقتصاد سیاسی ایران است. مفهوم «سلطه مالی» به خوبی این تعارض را تبیین می‌کند.

سلطه مالی وضعیتی است که در آن سیاست پولی (که وظیفه کنترل تورم را بر عهده دارد) مجبور می‌شود از اهداف خود عقب‌نشینی کرده و تابع نیازهای سیاست مالی (یعنی تامین کسری بودجه دولت) شود. مطالعات انجام شده در اقتصاد ایران (کیانی و طهماسبی، ۱۳۹۲). نشان می‌دهند که سیاست‌گذاران پولی در ایران در بیشتر دوره‌ها، اهداف تورمی تعیین شده در برنامه‌های توسعه را «رعایت نکرده‌اند». این بدان معناست که «برنامه واقعی» که اقتصاد ایران را هدایت می‌کند، نه سند پنج‌ساله توسعه، بلکه «بودجه سالیانه دولت» و الزام آن به تامین مالی است. تا زمانی که این سلطه مالی پابرجا باشد و بانک مرکزی استقلال عملیاتی برای پیگیری اهداف خود نداشته باشد، هرگونه هدف‌گذاری تورمی در عمل ناکام خواهد ماند.

۳-۳. تورم ایران: پیشایندها، فرایندها و پیامدها (چارچوب مفهومی و آثار)

برای تحلیل جامع تورم مزمن، باید میان سه مفهوم تمایز قائل شد: (۱) پیشایندها (عوامل زمینه‌ساز) یا همان علل و ریشه‌های ایجادکننده تورم، (۲) فرایندها یا سازوکارهایی (مکانیسم‌هایی) که تورم را تداوم بخشیده و آن را «چسبنده» می‌کنند، و (۳) پیامدها یا آثار و آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن.

پیشایندها (عوامل زمینه‌ساز)

این عوامل، به شرح زیر نیروهای محرکه اولیه‌ای هستند که فشار تورمی را در اقتصاد ایجاد می‌کنند و در بخش ۴ بررسی خواهند شد:

- **عوامل پولی:** رشد بالای نقدینگی مازاد بر رشد تولید.
- **عوامل مالی (ریشه ریشه‌ها):** کسری بودجه مزمن دولت و پدیده سلطه مالی.
- **عوامل ارزی و خارجی:** شوک‌های ناشی از نرخ ارز و تحریم‌های اقتصادی.
- **عوامل ساختاری مرتبط با بخش واقعی اقتصاد (طرف عرضه):** شکاف تولید (فزونی تقاضا بر عرضه) و فشار هزینه‌های تولید.

فرایندها (مکانیسم‌های تداوم)

چرا تورم در ایران پس از هر شوک (مثلاً شوک ارزی)، به سطوح پایین قبلی بازمی‌گردد؟ چرا تورم دارای «ماندگاری» بالایی است؟ پاسخ در سازوکارهای فرآیندی نهفته است که تورم را در سیستم قفل می‌کنند.



راهکارهای برون‌رفت از تورم مزمن (درس‌های جهانی و نقش وزارت صمت)

- **سازوکار ۱:** انتظارات تورمی: در اقتصاد ایران، انتظارات نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به تورم آتی دارند. مطالعات تجربی نشان می‌دهند که انتظارات گذشته‌نگر، یعنی شکل‌گیری انتظارات بر اساس تجارب تورمی گذشته، وزن و اهمیت بیشتری نسبت به انتظارات آینده‌نگر دارد. این بدان معناست که تورم بالای امروز، مستقیماً به انتظار تورم بالای فردا دامن می‌زند و یک لختی در تورم ایجاد می‌کند (محمدی، ۱۳۷۹).
- **سازوکار ۲:** لنگر اسمی و نرخ ارز: برای مهار انتظارات، سیاست‌گذاران پولی نیازمند یک «لنگر اسمی» معتبر هستند (مانند نرخ بهره یا هدف تورمی). در غیاب لنگر پولی معتبر و مستقل، فعالان اقتصادی به دنبال لنگر جایگزین بوده‌اند. مطالعات قبلی (حسینی و کابلی، ۱۳۸۵) تایید می‌کنند که «نرخ ارز غیر رسمی» به لنگر اسمی و کانون اصلی شکل‌گیری انتظارات تورمی در اقتصاد ایران تبدیل شده است.
- **سازوکار ۳:** درجه عبور نرخ ارز یا شاخص بندی میان نرخ ارز و قیمت‌ها: این سازوکار، کانالی است که از طریق آن، تغییرات در نرخ ارز به قیمت‌های داخلی منتقل می‌شود. پژوهش‌ها در این رابطه به یافته مهمی دست یافته‌اند: درجه و سرعت «درجه عبور» نرخ ارز بر قیمت‌ها، تابعی از خود رژیم تورمی است. تاثیر نرخ ارز بر شاخص قیمت واردات به درجه عبور نرخ ارز معروف است. درصد تغییر قیمت داخلی کالاهای وارداتی به ازای یک درصد تغییر نرخ ارز بین کشور صادرکننده و واردکننده، عبور نرخ ارز نامیده می‌شود. در کشورهای با تورم پایین، این انتقال، کند و ناقص است؛ اما در رژیم‌های تورمی بالا (مانند ایران)، این اثر بسیار قوی، سریع و کامل است. یافته‌های برخی مطالعات (رضایی و جعفری، ۱۳۸۸) نشان می‌دهد درجه عبور بلندمدت نرخ ارز در رژیم تورمی بالا ۷۲٪ بوده، در حالی که در رژیم تورمی پایین فقط ۹۱٪ بوده است.

این سه مکانیسم در کنار هم، یک «چرخه معیوب خودتقویت‌شونده» را در اقتصاد ایران ایجاد کرده‌اند:

۱. یک شوک خارجی (پیشایند) رخ می‌دهد.
۲. نرخ ارز (لنگر انتظارات) جهش می‌کند.
۳. «اثر یا درجه عبور» این جهش، به قیمت‌های داخلی بسیار سریع و شدید است.
۴. این افزایش قیمت‌ها، انتظارات «گذشته‌نگر» را تغذیه می‌کند و سطح انتظارات را بالاتر می‌برد.
۵. این امر «ماندگاری» تورم را افزایش می‌دهد و بازگشت به سطوح قبلی را تقریباً غیرممکن می‌کند.

پیامدها (آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی)

تورم مزمن و بالا، هزینه‌های هنگفتی را بر اقتصاد و جامعه تحمیل می‌کند که فراتر از کاهش صرف قدرت خرید است.

پیامد اقتصادی: رکود تورمی

تورم در ایران صرفاً ناشی از فشار تقاضا نیست، بلکه به شدت تحت تاثیر فشارهای طرف عرضه نیز قرار دارد. شوک‌های ارزی و تحریم‌ها مستقیماً هزینه نهاده‌های تولید و کالاهای واسطه‌ای وارداتی را افزایش می‌دهند. این «فشار هزینه» همزمان با کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی پایین، منجر به پدیده مزمن «رکود تورمی» در اقتصاد ایران شده است (دینی ترکمانی، ۱۳۹۸).

پیامد توزیعی: تشدید نابرابری و شکاف طبقاتی

تورم به عنوان «مالیات پنهان» عمل می‌کند، اما این مالیات به شدت «قهقرایی» است؛ یعنی از فقرا بیش از ثروتمندان مالیات می‌گیرد.

- **سازوکار:** تورم به نفع طبقاتی است که دارایی‌های خود را به اشکال غیرپولی (مانند مسکن، طلا، ارز) نگهداری می‌کنند و به ضرر طبقاتی است که درآمد ثابت (مانند کارگران و کارمندان) دارند یا دارایی‌هایشان به شکل پولی (سپرده بانکی) است.
- **شواهد تجربی:** تورم، «طبقات بالایی و ممتاز جامعه را به بهای طبقات پایین‌تر سود می‌رساند» و لذا عاملی مهم در افزایش شکاف طبقاتی است. پژوهشی که با استفاده از مدل بیستک‌های درآمدی انجام شده، نشان می‌دهد که افزایش نرخ تورم به نفع بیستک‌های با درآمد بالا بوده و مستقیماً به «افزایش نابرابری» و بدتر شدن شاخص‌هایی مانند ضریب جینی منجر می‌شود. تورم همچنین اثر منفی و نامتقارن بر رفاه اقتصادی کل جامعه دارد (کاظمی و زارع، ۱۳۹۹).

پیامد اجتماعی: افزایش جرایم و آسیب‌های اجتماعی

مخرب‌ترین پیامد تورم مزمن، فراتر از اقتصاد، در حوزه اجتماعی رخ می‌دهد.

- **سازوکار:** تورم از طریق تشدید نابرابری‌های درآمدی و ایجاد شکاف اجتماعی، احساس محرومیت نسبی را افزایش می‌دهد و زمینه‌ساز بروز انواع جرایم، به خصوص جرایم اقتصادی می‌شود.
- **شواهد تجربی:** برخی یافته‌های پژوهشی (رحیمی و کریمی، ۱۳۹۵) دال بر وجود رابطه آماری معنادار و مثبتی بین نرخ تورم و جرایمی مانند «سرقت» و «صدور چک بلامحل» در ایران است. برخی مطالعات (رحیمی و کریمی، ۱۳۹۵) در این حوزه نشان می‌دهند که اگرچه بیکاری نیز بر جرم اثر مثبت دارد، اما، اثر تورم بر جرایم در ایران حتی «بیشتر» از اثر بیکاری بر جرایم بوده است. این یافته‌ها، عمق هزینه‌های اجتماعی تورم مزمن را آشکار می‌کند و نشان می‌دهد که تورم صرفاً متغیر اقتصادی نیست، بلکه پدیده مخرب اجتماعی است که امنیت جامعه را مستقیماً هدف قرار می‌دهد.



بخش چهارم: توصیه‌های سیاستی برای اقتصاد ایران

با بهره‌گیری از چارچوب تحلیلی و یافته‌های کلیدی بخش‌های پیشین، این بخش به ارائه تشخیصی دقیق از بیماری تورم مزمن در ایران و نسخه سیاستی ذی ربط با آن می‌پردازد.

۱-۴. تشخیص بیماری: ریشه‌های تورم مزمن و ساختاری در ایران

تورم در ایران پدیده تک‌بعدی نیست، بلکه خروجی تعامل پیچیده میان چندین عامل ساختاری ریشه‌دار است.

وضعیت فعلی و چشم‌انداز:

اقتصاد ایران در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ همچنان با نرخ‌های تورم بالا دست‌وپنجه نرم می‌کند. تورم سالیانه در محدوده‌های ۳۰ تا ۴۰ درصد نوسان داشته و تورم‌های نقطه‌به‌نقطه و ماهیانه نیز نشان از تداوم فشارهای قیمتی دارند.

تحلیل ریشه‌ای چهارگانه:

- ۱. سلطه مالی و کسری بودجه ساختاری:** ریشه بسیاری از مشکلات، وابستگی تاریخی بودجه دولت به درآمدهای نفتی و ضعف پایه مالیاتی پایدار و کارآمد است. این وابستگی، بودجه را در برابر نوسانات قیمت نفت به شدت آسیب‌پذیر کرده و در زمان کاهش درآمدها، دولت را به سمت تأمین مالی کسری از طریق نظام بانکی (چه به صورت مستقیم با استقراض از بانک مرکزی و چه به صورت غیرمستقیم با فشار بر بانک‌ها) سوق داده است. این فرآیند که به آن «سلطه مالی بر سیاست پولی» گفته می‌شود، موتور اصلی خلق پول پر قدرت و تورم در ایران است.
- ۲. ناترازی نظام بانکی و خلق نقدینگی درون‌زا:** نظام بانکی کشور خود به منبع مهم خلق نقدینگی تورم‌زا تبدیل شده است. انباشت مطالبات غیرجاری، تحمیل تسهیلات تکلیفی، زیان انباشته و ساختار مدیریتی ناکارآمد، بسیاری از بانک‌ها را با «ناترازی» در ترازنامه مواجه کرده است. این بانک‌های ناتراز برای بقا، به طور مداوم از منابع بانک مرکزی اضافه‌برداشت می‌کنند که این امر مستقیماً به رشد پایه پولی و نقدینگی منجر می‌شود.
- ۳. آسیب‌پذیری در برابر تکانه‌های (شوک‌های) خارجی:** تحریم‌های اقتصادی و نوسانات شدید نرخ ارز، از دو کانال به تورم دامن می‌زنند. کانال مستقیم، افزایش هزینه واردات کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای است. کانال غیرمستقیم که شاید مهم‌تر باشد، از طریق تشدید انتظارات تورمی است. هر جهش در نرخ ارز، به سرعت به علامتی (سیگنالی) برای افزایش عمومی قیمت‌ها در کل اقتصاد تبدیل می‌شود.



۴. **لنگرگاه انتظارات تورمی:** دهه‌ها زندگی با تورم دورقمی، انتظارات تورمی را در جامعه به شدت چسبنده و رو به بالا کرده است. فعالان اقتصادی و عموم مردم، با مشاهده هرگونه شوک قیمتی یا سیگنال منفی، به سرعت رفتار خود را (خرید احتکاری، تبدیل ریال به دارایی) تنظیم می‌کنند و این خود به تشدید و تسری تورم کمک می‌کند (اسلامی، ۱۳۹۴؛ موسوی و اکبری، ۱۳۹۶؛ عالمی و فراهانی، ۱۳۹۷؛ دینی ترکمانی، ۱۳۹۸، حیدری، ۱۴۰۳).

۲-۴. نسخه سیاستی جامع و مرحله‌بندی شده

فاز اول: اقدام فوری و اعتمادساز (۶ ماهه)

الف. هدف فاز:

شکستن ماریپیچ انتظارات تورمی و ارسال یک سیگنال معتبر از تغییر رژیم سیاست‌گذاری اقتصادی.

ب. اقدامات کلان پیشنهادی:

- اعلام رسمی برنامه تثبیت اقتصادی با اهداف کمی و قابل پایش،
- تعیین یک لنگر اسمی شفاف (نظیر سقف رشد پایه پولی یا هدف تورم کوتاه‌مدت)،
- توقف کامل استقراض جدید دولت و بانک‌های ناتراز از بانک مرکزی،
- اعمال انضباط جدی در هزینه‌های جاری دولت.

بدیهی است در صورت عدم کنترل هزینه‌ها، تأمین مالی از مسیر انتشار اوراق بدهی نیز به دلیل ناتوانی در بازپرداخت اصل و فرع، در نهایت مجدداً به فشار بر ترازنامه بانک مرکزی منجر خواهد شد.

ج. نقش وزارت صمت در این فاز:

وزارت صمت در این مرحله نقش پشتیبان اعتمادسازی و ضربه‌گیر بازار کالا را ایفا می‌کند. تمرکز این نقش بر حفظ جریان عرضه، جلوگیری از بروز کمبودهای مقطعی و ممانعت از احتکار و گسست در زنجیره توزیع است. ثبات بازار کالا در این مقطع، شرط لازم موفقیت سیاست‌های پولی در مهار انتظارات تورمی و جلوگیری از انتقال تکانه‌های (شوکه‌های) مالی به سطح قیمت‌های مصرف‌کننده است.

فاز دوم: اصلاحات بنیادین (۱ تا ۳ ساله)

الف. هدف فاز:

خشکاندن ریشه‌های ساختاری خلق نقدینگی و جلوگیری از بازتولید تورم.



ب. اقدامات کلان پیشنهادی:

- اعطای استقلال عملیاتی به بانک مرکزی و اصلاح چارچوب سیاست‌گذاری پولی،
- اصلاح ساختار بودجه با کاهش وابستگی به نفت و تقویت پایدار درآمدهای مالیاتی،
- گسترش پایه‌های مالیاتی از طریق شمول بخشی به بخش‌های معاف و هم‌زمان تقویت تولید،
- اجرای برنامه «گزیر» برای بانک‌های ناتراز، شامل تصفیه بانک‌های غیرقابل احیا و بازسازی بانک‌های قابل اصلاح.

ج. نقش وزارت صمت در این فاز:

در این مرحله، وزارت صمت نقش تسهیل‌گر اصلاحات کلان را بر عهده دارد. کاهش اصطکاک‌های مقرراتی، تسهیل فرآیندهای صدور مجوز و بازنگری در سیاست‌های تجاری، به کاهش هزینه‌های انطباق بنگاه‌ها با سیاست‌های انقباضی کمک می‌کند و مانع تعمیق رکود ناشی از اصلاحات پولی و مالی می‌شود.

فاز سوم: تثبیت بلندمدت و رشد پایدار

الف. هدف فاز:

ایجاد تعادل پایدار میان سیاست‌های پولی، مالی و واقعی و فراهم‌سازی امکان رشد اقتصادی بدون بازگشت تورم.

ب. محورهای کلان اقدام:

بهبود محیط کسب‌وکار، ارتقای بهره‌وری، اصلاح پایدار مقررات، توسعه رقابت‌پذیری و شفاف‌سازی زنجیره‌های تولید و توزیع.

ج. نقش محوری وزارت صمت:

در این فاز، وزارت صمت یکی از بازیگران اصلی سمت عرضه و ستون سوم تثبیت اقتصاد کلان است. بسته سیاستی پیشنهادی این وزارتخانه می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- فعال‌سازی ظرفیت‌های راکد تولید و توسعه الگوی تولید بدون کارخانه (البته به شرط رفع موانعی چون تامین انرژی از سوی دستگاه‌های ذی ربط)
- مقررات‌زدایی هدفمند و کاهش هزینه‌های غیرضروری اداری برای بنگاه‌ها،
- استقرار نظام تنظیم بازار مبتنی بر «تعهد عرضه داخلی و سهمیه صادرات بر اساس عملکرد گذشته»، به جای قیمت‌گذاری دستوری،

- مدیریت هوشمند صادرات به منظور حفظ تعادل بازار داخلی،
- تکمیل و بهره‌برداری از سامانه‌های رهگیری زنجیره تأمین برای افزایش شفافیت و کاهش رفتارهای سوداگرانه.

این مجموعه اقدامات، ضمن کاهش فشارهای تورمی سمت عرضه، زمینه‌ساز رشد پایدار صنعتی و افزایش تاب‌آوری اقتصاد در برابر شوک‌های آتی خواهد بود.

۳-۴. مدیریت پیامدهای اجتماعی: طراحی شبکه ایمنی کارآمد

اجرای سیاست‌های انقباضی در فاز اول و دوم، به ناچار با هزینه‌هایی در قالب کاهش موقت رشد و افزایش بیکاری همراه خواهد بود. برای محافظت از اقشار آسیب‌پذیر و تضمین پایداری اجتماعی برنامه اصلاحات، طراحی یک شبکه ایمنی کارآمد ضروری است. این امر باید از طریق جایگزینی یارانه‌های پنهان و ناکارآمد (به‌ویژه در حوزه انرژی) با یک نظام پرداخت نقدی هدفمند و جامع به دهک‌های پایین درآمدی صورت گیرد. این سیاست هم به کاهش فشار از بودجه دولت کمک می‌کند و هم به طور مؤثرتری از اقشار نیازمند حمایت می‌کند. بزرگترین چالش پیش روی این نسخه سیاستی (نقشه راه)، فنی نیست، بلکه به «اصلاحات اقتصاد سیاسی» بازمی‌گردد. هر یک از این اصلاحات با مقاومت شدید گروه‌های ذی‌نفع که از وضعیت موجود منتفع می‌شوند، مواجه خواهد شد. موفقیت این برنامه، بیش از هرچیز، نیازمند شکل‌گیری یک اجماع سیاسی در سطح کلان حاکمیت و اراده‌ای قاطع برای پذیرش هزینه‌های کوتاه‌مدت به نفع منافع بلندمدت ملی است. بدون این اراده سیاسی، هرگونه توصیه فنی، عقیم و بی‌اثر باقی خواهد ماند. در ادامه در رابطه با موانع و راهکارهای پیشبرد این اصلاحات توضیحات بیشتری ارائه شده است.

نقش ساختار توزیع منافع و گروه‌های ذی‌نفع: در بسیاری از اقتصادهای نفتی یا دارای یارانه‌های گسترده، ساختار توزیع درآمد و منافع به‌گونه‌ای است که گروه‌هایی (سازمان‌ها، شرکت‌ها، بخش‌های دولتی یا اقشار خاص) از تخصیص یارانه‌ها سود قابل توجهی می‌برند؛ این گروه‌ها نه فقط از منظر اقتصادی منافع ملموسی دارند بلکه دارای شبکه‌های سیاسی و اجتماعی‌ای هستند که قادر به اعمال نفوذ برای حفظ وضعیت موجوداند. بنابراین، تلاش برای حذف یا هدفمندسازی یارانه‌ها عملاً به مخالفت سازماندهی شده این بازیگران منجر می‌شود که شامل لابی‌گری، ایجاد هزینه سیاسی علیه تصمیم‌گیران و حتی تحریک ناراضی‌های اجتماعی در میان بخشی از جمعیت می‌شود.

سازوکارهای پاداش و تنبیه در نهادهای دولتی: مأموران و مدیران در دستگاه‌های اجرایی که مسئول اجرای اصلاحات هستند، اغلب انگیزه‌های شغلی و مالی‌شان با حفظ وضعیت موجود هم‌راستا است؛ زیرا



راهکارهای برون‌رفت از تورم مزمن (درس‌های جهانی و نقش وزارت صمت)

ساختار بودجه‌ای و منابع تخصیصی به نحوی طراحی شده که حذف یارانه یا تغییر سازوکار تخصیص، ممکن است منافع بودجه‌ای واحدهای دولتی را کاهش دهد. این تضاد منافع داخلی مستلزم طراحی سازوکارهای انگیزشی (مثلاً تضمین مشاغل، پاداش عملکرد یا بازسازی ساختار بودجه‌ای) برای تضمین همکاری کارکنان دولت است.

هزینه‌های توزیع شده و فواید متمرکز: اصلاحات ساختاری غالباً دارای ویژگی «هزینه‌های گسترده و فواید متمرکز» هستند؛ یعنی هزینه‌های کوتاه‌مدت (تورم، بیکاری موقت، نارضایتی) بر اکثریت جامعه تحمیل می‌شود در حالی که منافع بلندمدت و پایدار به‌طور عمومی و نامحسوس توزیع می‌شود. گروه‌های ذی‌نفع که بهره‌مند از وضعیت قبلی‌اند، از آنجا که فواید برای آنها متمرکز و بزرگ است، انگیزه و منابع بیشتری برای مقاومت دارند. اکثریت پراکنده توانایی محافظت از منافع بلندمدت خود را ندارد. این عدم تعادل در قدرت چانه‌زنی گروه‌های اجتماعی مختلف، هسته اصلی شکست بسیاری از برنامه‌های اصلاحی بدون تضمین حمایتی و انتقالی است.

نقش اعتماد اجتماعی و سرمایه سیاسی: اجرای موفق برنامه‌های جراحی اقتصادی نیازمند سطح حداقلی از اعتماد عمومی و سرمایه سیاسی در میان نخبگان سیاسی است. وقتی اعتماد پایین است، همه تغییرات به سرعت به بحران سیاسی تبدیل می‌شوند. تشکیل نهادهای مستقل نظارتی، شفافیت در هزینه‌کرد منابع حاصل از حذف یارانه‌ها و مکانیسم‌های پاسخگویی می‌تواند به افزایش پذیرش عمومی کمک کند؛ اما این نهادها باید واقعی و زمان‌دار باشند تا سرمایه سیاسی لازم برای عبور از دوره‌ی اصلاحات فراهم آید.

پیامد برای طراحی شبکه ایمنی: از منظر اقتصاد سیاسی، شبکه ایمنی مؤثر باید همزمان سه مأموریت داشته باشد: (۱) پوشش سریع و معتبر دهک‌های پایین برای کاهش هزینه‌های کوتاه‌مدت اصلاحات، (۲) ایجاد شفافیت و حسابرسی در تخصیص منابع آزاد شده از اصلاح یارانه‌ها تا اعتماد عمومی افزایش یابد، و (۳) اجرای برنامه‌های سازوکار انتقالی برای مشاغل و بخش‌های زیان‌دیده تا مقاومت ذی‌نفعان کاهش یابد. بدون این ترکیب سیاستی، خطر بازگشت به رویه‌های قدیمی یا شکست کامل برنامه بسیار بالاست.

تجربه‌های گذشته نشان می‌دهد که سیاست‌های دستوری و کنترل‌های مقطعی قادر به مهار تورم مزمن نیستند. تنها مسیر خروج پایدار از این چرخه، **اعمال انضباط مالی سخت‌گیرانه، اصلاح عمیق نظام بانکی و بازسازی سمت عرضه اقتصاد** است. در این چارچوب، وزارت صنعت، معدن و تجارت، به شرط وجود زمینه‌های نهادی برای شکل‌گیری همکاری نظام‌مند با دیگر دستگاه‌های اجرایی از جمله وزارت نیرو، می‌تواند نقش مهمی در تثبیت بلندمدت اقتصاد ایفا می‌کند؛ نقشی که مکمل سیاست‌های پولی و مالی بوده و بدون آن، دستیابی به ثبات پایدار قیمت‌ها و رشد اقتصادی امکان‌پذیر نخواهد بود.



منابع و مراجع

۱. رضایی پور، محمد. (زمستان ۱۴۰۴ ه.ش). داشبوردهای اطلاعات آماری جهش‌های تورمی در جهان، پژوهشکده توسعه صنعتی و معدنی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۲. تشکینی، احمد (خرداد-تیر ۱۳۸۵ ه.ش). «آیا نااطمینانی تورمی با سطح تورم تغییر می‌کند؟» تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۳، صفحات: ۱۹۳-۲۱۰.
۳. تشکینی، احمد. (بهار ۱۳۹۳ ه.ش. / ۲۰۱۴ م.). «بررسی آثار هدفمندی یارانه‌ها بر بخش کشاورزی ایران». مدلسازی اقتصادی، دوره ۸، شماره ۱ (پیاپی ۲۵)، صفحات: ۳۵-۵۲.
۴. عباسی‌نژاد، حسین؛ تشکینی، احمد. (بهار ۱۳۹۰ ه.ش. / ۲۰۱۱ م.). «اندازه‌گیری تورم پایه در اقتصاد ایران (رویکرد مبتنی بر مدل)». تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۶، شماره ۹۴، صفحات: ۶۷-۸۷.
۵. تشکینی، احمد؛ حیدری، حسن؛ شفیعی، افسانه. (پاییز ۱۳۹۵ ه.ش. / ۲۰۱۶ م.). «تجزیه و تحلیل آثار سیاست اعتباری بر سرمایه‌گذاری زیربخش‌های اقتصاد ایران». پژوهشنامه بازرگانی، دوره ۲۰، شماره ۸۰، صفحات: ۲۳-۴۴.
۶. عباسی‌نژاد، حسین؛ تشکینی، احمد؛ رحمانی، تیمور؛ ستایش، هدیه. (تابستان ۱۳۹۲ ه.ش. / ۲۰۱۳ م.). «ارتباط متقابل بین حداقل دستمزد و تورم در اقتصاد ایران». تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۸، شماره ۲، صفحات: ۶۵-۸۶.
۷. تشکینی، احمد. (پاییز ۱۳۹۰ ه.ش. / ۲۰۱۱ م.). «اندازه‌گیری تورم پایه بر اساس روش بهینه: مطالعه موردی اقتصاد ایران». پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۱۹، شماره ۵۹، صفحات: ۱۰۱-۱۲۸.
۸. شفیعی، افسانه؛ تشکینی، احمد. (تابستان ۱۳۸۷ ه.ش. / ۲۰۰۸ م.). «ارزیابی عوامل موثر بر شکاف قیمت و پویایی‌های آن». پژوهشنامه بازرگانی، دوره ۱۲، شماره ۴۷، صفحات: ۸۳-۱۰۹.
۹. تشکینی، احمد. (پاییز ۱۳۸۴ ه.ش. / ۲۰۰۵ م.). «تحلیل تجربی تورم در اقتصاد ایران (۱۳۸۱-۱۳۳۸)». پژوهشنامه بازرگانی، دوره ۹، شماره ۳۶، صفحات: ۷۵-۱۰۵.
۱۰. تشکینی، احمد؛ شفیعی، افسانه. (تابستان ۱۳۸۴ ه.ش. / ۲۰۰۵ م.). «متغیرهای پولی و مالی؛ آزمون خنثایی پول». پژوهشنامه بازرگانی، دوره ۹، شماره ۳۵، صفحات: ۱۲۵-۱۵۲.
۱۱. دینی ترکمانی، علی (۱۳۹۸)، اقتصاد ایران: رکود تورمی و سقوط ارزش پول ملی، انتشارات علم
۱۲. سادات‌اخوی، سیدمحمد؛ حسینی، سیدشمس‌الدین. (۱۳۹۶ ه.ش. / ۲۰۱۷ م.). «ارزیابی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر تورم اقتصاد ایران». نشریه: اقتصاد کاربردی، دوره و شماره: ۱۲، شماره ۳، صفحات: ۳۳-۵۰.
۱۳. ابوالحسنی هستیانی، اصغر؛ علمی‌مقدم، مصطفی؛ منصوری، نسرین؛ امینی میلانی، مینو. (۱۴۰۱ ه.ش. / ۲۰۲۲ م.). «بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر نرخ تورم در ایران (رویکرد فازی)». نشریه: سیاست‌های مالی و اقتصادی، دوره و شماره: ۸، شماره ۲، صفحات: ۱۸۷-۲۳۵.
۱۴. صادقی، عبدالرسول؛ طیبی، سیدکامیل. (۱۳۹۷ ه.ش. / ۲۰۱۸ م.). «اثرات تحریم‌های بین‌المللی و سایر عوامل تأثیرگذار بر نرخ تورم در ایران (۱۳۶۰-۱۳۹۳)». نشریه: پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوره و شماره: ۲۱، شماره ۱، صفحات: ۱۰۱-۱۲۸.
۱۵. عباسی‌نژاد، حسین؛ تشکینی، احمد. (زمستان ۱۳۸۳ ه.ش. / ۲۰۰۴ م.). «آیا تورم در ایران یک پدیده پولی است؟» تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۷، صفحات: ۱۸۱-۲۱۲.



راهکارهای برون‌رفت از تورم مزمن (درس‌های جهانی و نقش وزارت صمت)

۱۶. مهربانی، وحید. (۱۳۹۰ ه.ش. / ۲۰۱۱ م.). «تأثیرپذیری طبقات اجتماعی از تورم در ایران». فصلنامه تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۵، شماره ۱، صفحات: ۱-۲۱.
۱۷. حقانی، محمد. (۱۳۹۱ ه.ش.). «سیاست‌گذاری پولی تحت سلطه مالی و تورم هدف ضمنی». مدیریت بهره‌وری (فراسوی مدیریت، صفحات: ۱۴۷-۱۲۹).
۱۸. شقاقی، وحید. (۱۳۹۷ ه.ش. / ۲۰۱۸ م.). «ارزیابی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور از منظر تحقق اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز»: نشریه: مجلس و راهبرد، (۱۳۹۷)، صفحات: ۲۰۹-۲۳۷.
۱۹. خسروی، میثم؛ جمور، محمد؛ دارابی، مهدی. (۱۴۰۳ ه.ش. / ۲۰۲۴ م.). «عوامل ایجاد تورم و راهکارهای مهار آن در اقتصاد ایران». نشریه: تحلیل‌ها و اندیشه‌های اقتصادی، (۱۴۰۳)، صفحات: ۱-۳۴.
۲۰. اسلام‌ویان، کریم. (۱۳۹۷). «ماندگاری تورم؛ اعتبار سیاست‌گذاری و لنگر نرخ ارز در مورد ایران (کنفرانس)». مجموعه: کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، صفحات: ۱۳۱-۱۵۴.
۲۱. مخملی، حسن؛ ویسی، نگین؛ کمالی دهکردی، پروانه. (۱۳۹۸ ه.ش. / ۲۰۱۹ م.). «بررسی تأثیر سیاست هدف‌گذاری تورم بر مدیریت نرخ ارز در کشورهای در حال توسعه». نشریه: مطالعات مدیریت راهبردی، (۱۳۹۸)، صفحات: ۲۰۷-۲۳۵.
۲۲. تقوی، مهدی؛ غروی نخجوانی، سیداحمد. (۱۳۸۲ ه.ش. / ۲۰۰۳ م.). «تورم رکودی در اقتصاد ایران». نشریه: پژوهشنامه اقتصادی، (۱۳۸۲)، صفحات: ۱۳-۷۰.
۲۳. هادیان، ابراهیم؛ پارسا، حجت. (۱۳۸۷ ه.ش. / ۲۰۰۸ م.). «برآورد تأثیر با وقفه تغییرات حجم نقدینگی بر سطح تورم در اقتصاد ایران». نشریه: پژوهش‌های اقتصادی ایران، (۱۳۸۷)، صفحات: ۱-۱۶.
۲۴. بالونژادنوری، روزبه؛ رفعت میلانی، مژگان. (۱۴۰۲ ه.ش. / ۲۰۲۳ م.). «شواهدی جدید از رابطه میان رشد پول، تورم و رشد اقتصادی در ایران». نشریه: سیاست‌گذاری اقتصادی، (۱۴۰۲)، صفحات: ۲۰۲-۲۴۰.
۲۵. حسینی‌نسب، سیدابراهیم؛ رضاقلی‌زاده، مهدیه. (۱۳۸۹ ه.ش. / ۲۰۱۰ م.). «بررسی ریشه‌های مالی تورم در ایران (با تأکید بر کسری بودجه)». نشریه: پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، (۱۳۸۹)، صفحات: ۴۳-۷۰.
۲۶. عمادزاده، مصطفی؛ صمدی، سعید؛ حافظی، بهار. (۱۳۸۴ ه.ش. / ۲۰۰۵ م.). «بررسی عوامل (پولی و غیرپولی) موثر بر تورم در ایران (۱۳۳۸-۱۳۸۲)».
۲۷. کاویانی، زهرا؛ فرج‌نیا، سلمان. (۱۴۰۲ ه.ش. / ۲۰۲۳ م.). «برآورد انتظارات تورمی؛ مروری بر اهمیت برآورد انتظارات تورمی و روش‌های اندازه‌گیری آن در ایران». مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۹۵۶۹.
۲۸. سامتی، مرتضی؛ خانزادی آزاد؛ یزدانی، مهدی. (۱۳۸۹ ه.ش. / ۲۰۱۰ م.). «بررسی فرضیه وجود اثرات نامتقارن شوک‌های نرخ ارز بر سطح تولید و قیمت (مطالعه موردی: کشور ایران)». نشریه: پژوهش‌های پولی-بانکی، (۱۳۸۹)، صفحات: ۳۵-۵۷.
۲۹. مکی‌پور، ذبیح‌اله؛ ربانی خوراسگانی، علی. (۱۳۹۳ ه.ش. / ۲۰۱۴ م.). «بررسی علل اقتصادی آسیب‌های اجتماعی (با تأکید بر رابطه تورم و جرایم در ایران طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۹۰)». نشریه: پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران (پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی)، (۱۳۹۳)، صفحات: ۷۹-۹۸.
۳۰. درگاهی، حسن؛ بیرانوند، امین. (۱۳۹۷ ه.ش. / ۲۰۱۸ م.). «بررسی رابطه آسیب‌های اجتماعی و رشد اقتصادی ایران با تأکید بر سرمایه انسانی در الگوی رشد درون‌زا: رویکرد DSGE». نشریه: پژوهشنامه اقتصاد و برنامه‌ریزی، (۱۳۹۷)، صفحات: ۵۹-۱۰۰.





۳۱. معتمدی، سحر؛ زراءنژاد، منصور؛ منتظر حجت، امیرحسین. (آذر ۱۳۹۲ ه.ش. / دسامبر ۲۰۱۳ م.). «بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر شاخص‌های کلان اقتصاد ایران». دوره: ۱۰، شماره: ۳ (شماره پیاپی: ۳)، صفحات: ۱۱۵-۱۳۸.
۳۲. علی‌بیگی علوی، حانیه. (تابستان ۱۴۰۱ ه.ش. / ۲۰۲۲ م.). گزارش مطالعه تطبیقی برنامه‌های توسعه در ایران. مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌پژوهی، گروه پژوهشی توسعه امور بخشی و محیط زیست، مجموعه گزارش، شماره ۸۵۳.
۳۳. مصطفوی، سید محمد حسن. (بهار ۱۳۹۶ ه.ش. / ۲۰۱۷ م.). «مروری بر برنامه‌های توسعه کشور با تأکید بر برنامه ششم و مقایسه آنها با معیار برخی شاخص‌های مرتبط با اقتصاد اسلامی». فصلنامه علمی-ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره هجدهم، بهار ۱۳۹۶، صفحات: ۸۳-۱۰۳.
۳۴. مرکز برنامه و بودجه، دانشگاه علم و صنعت ایران. (مرداد ۱۴۰۳ ه.ش. / ۲۰۲۴ م.). سنج‌های عملکردی و اهداف کمی؛ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران استخراج و تنظیم؛ گروه مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی، مرکز برنامه و بودجه، دانشگاه علم و صنعت ایران.
۳۵. عیسی‌زاده، سعید؛ مروت، حبیب؛ شریفی، امید. (اسفند ۱۳۹۵ ه.ش. / ۲۰۱۷ م.). «شبیه‌سازی انتظارات تورمی ناهمگن در ایران». مدلسازی اقتصادی، دوره ۱۰، شماره ۳۶ (مقاله ۵)، صفحات: ۱۰۱-۱۲۳.
۳۶. حسینی، سید صدر؛ شکوهی، مریم. (بهار ۱۳۹۴ ه.ش. / ۲۰۱۵ م.). «بررسی عوامل مؤثر بر تورم با تأکید بر نقش انتظارات گذشته‌نگر و آینده‌نگر». پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار، دوره ۱۵، شماره ۱، صفحات: ۲۰۹-۲۲۸.
۳۷. فلاحی، فیروز. (آبان ۱۳۹۴ ه.ش. / ۲۰۱۵ م.). «بررسی ماندگاری تورم در ایران با استفاده از روش بوت‌استرپ». مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۰، شماره ۳ (شماره پیاپی ۳)، صفحات: ۷۰۷-۷۳۲.
۳۸. کیانی، رضا؛ طهماسبی، مهدی. (۱۳۹۲ ه.ش.). «نقش سیاست پولی در کنترل تورم: بررسی تجربی بر برنامه‌های توسعه ایران». پژوهش‌های اقتصاد کلان و سیاست‌های پولی، جلد ۵، شماره ۲، صفحات ۴۵-۶۸.
۳۹. محمدی، حسین. (۱۳۷۹ ه.ش.). «انتظارات تورمی و لختی قیمت‌ها در ایران». پژوهش‌های پولی و بانکی، دوره ۱۱، شماره ۱، صفحات ۱۲-۲۹.
۴۰. حسینی، سارا؛ کابلی، امیر. (۱۳۸۵ ه.ش.). «نرخ ارز به‌عنوان لنگر اسمی: شواهدی از ایران». مطالعات سیاست‌های ارزی، شماره ویژه، صفحات ۱۰۱-۱۲۴.
۴۱. رضایی، مهدی؛ جعفری، نادر. (۱۳۸۸ ه.ش.). «درجه عبور نرخ ارز به قیمت‌های داخلی در رژیم‌های تورمی مختلف: شواهد ایران». فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، دوره ۱۴، شماره ۳، صفحات ۲۰۱-۲۲۶.
۴۲. عالمی، فرزاد؛ فراهانی، لیلا. (۱۳۹۷ ه.ش.). «تأثیر تحریم‌ها و شوک‌های ارزی بر تورم و رشد اقتصادی ایران». اقتصاد سیاسی نفت و تحریم، جلد ۲، شماره ۱، صفحات ۹-۳۸.
۴۳. کاظمی، علی؛ زارع، نسربین. (۱۳۹۹ ه.ش.). «تورم و نابرابری درآمدی: تحلیل بیستک‌های درآمدی در ایران». نشریه توسعه و توزیع درآمد، جلد ۷، شماره ۲، صفحات ۵۵-۸۰.
۴۴. رحیمی، زهرا؛ کریمی، منصور. (۱۳۹۵ ه.ش. / ۲۰۱۶ م.). «تورم، بیکاری و جرائم اقتصادی: شواهد ایران (۱۳۷۵-۱۳۹۳)». جرم‌شناسی و سیاست جنایی، دوره ۳، شماره ۲، صفحات ۹۹-۱۳۰.
۴۵. ناصرالهی، ناصر؛ نجارزاده، ابوالفضل؛ عسگری، مهدی. (پاییز ۱۳۹۳ ه.ش. / ۲۰۱۴ م.). «ارزیابی ماندگاری تورم در ایران». پژوهشنامه اقتصاد و برنامه‌ریزی، دوره ۱۹، شماره ۳، صفحات: ۴۷-۶۸.



راهکارهای برون‌رفت از تورم مزمن (درس‌های جهانی و نقش وزارت صمت)

۴۶. حسینی، نیلوفر سادات؛ اصغریور، حسین؛ حقیقت، جعفر. (تیر ۱۳۹۷ ه.ش. / ۲۰۱۸ م.). «درجه‌ی عبور نرخ ارز بر شاخص قیمت واردات ایران: رویکرد رگرسیون انتقال ملایم». مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۳، شماره ۲ (شماره پیاپی ۱۲۳)، تیر ۱۳۹۷، صفحات: ۷۵-۵۷.
۴۷. صبوری دیلمی، محمدحسن؛ بشیری، سحر؛ ولی‌بیگی، حسن. (دی ۱۴۰۰ ه.ش. / دسامبر ۲۰۲۱ م.). «چگونگی ارتباط میان نرخ ارز و شاخص‌های قیمت در ایران؛ کاربرد فیزیک اقتصادی در بررسی روابط متقابل». فصلنامه مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۸، شماره ۲ (شماره پیاپی ۱۶)، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صفحات: ۸۸-۱۱۳.
۴۸. کمیجانی، اکبر؛ محمدزاده، فریدون. (بهار ۱۳۹۳ ه.ش. / ۲۰۱۴ م.). «تأثیر درآمد توزیع بر تورم؛ سیاست‌های عمل‌گرای جبرانی». پژوهش فصلنامه سیاست‌ها و اقتصادها، دوره ۲، شماره ۶۹، صفحات: ۵-۲۴.
۴۹. موتمنی، مانی؛ زروکی، شهریار؛ محمدیان، درسا. (شهریور ۱۴۰۲ ه.ش. / سپتامبر ۲۰۲۳ م.). «نقش نامتقارن نابرابری درآمد و تورم بر رفاه اقتصادی در ایران». مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۸، شماره ۲ (شماره پیاپی ۱۴۳)، صفحات: ۲۸۱-۳۱۳.
۵۰. محمدزاده، یوسف؛ یحوی دیزج، جعفر؛ یعقوبی، فرید حسین؛ حکمتی، صمد. (بهار ۱۳۹۷ ه.ش. / ۲۰۱۸ م.). «رابطه بین عوامل اقتصادی و اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی در کشورهای منتخب با رویکرد گشتاورهای تعمیم. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هجدهم، شماره ۶۸، صفحات: ۱۶۷-۱۸۱.
۵۱. رضائی، زکیه. (۱۶ بهمن ۱۳۹۰ ه.ش. / ۵ فوریه ۲۰۱۲ م.). «بررسی آثار اجتماعی و اقتصادی تورم (مورد مطالعه: اثر تورم بر جرایم در ایران)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم اقتصادی، راهنما: حمید ابریشمی.
۵۲. مکی‌پور، ذبیح‌الله؛ ربانی خوراسگانی، علی. (پاییز-زمستان ۱۳۹۲ ه.ش. /). «بررسی علل اقتصادی آسیب‌های اجتماعی (با تأکید بر رابطه تورم و جرایم در ایران طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۹۰)». پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال دوم، شماره ۶.
۵۳. ابراهیمی، مهرزاد؛ چاکرزه‌ی، عبدالوهاب. (بدون تاریخ/ه). «ارتباط میان نرخ جرم و جنایت با تورم و بیکاری در ایران». نشریه پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران (پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی)، صفحات: ۱۱۳-۱۲۷.
۵۴. عباسی، حسین‌نژاد؛ رضانی، هادی؛ صادقی، مینا. (زمستان ۱۳۹۱ ه.ش.). «بیکاری و رابطه بین جرم و جنایت: بررسی جیرمایران در داده‌های استانی با تلفیق روش‌ها». پژوهش فصلنامه سیاست‌ها و اقتصادی‌ها، شماره بیست‌وم، سال ۶۴، صفحات: ۶۵-۸۶.
۵۵. جعفری صمیمی، احمد. (۱۳۷۱). «بررسی رابطه تورم و کسری بودجه دولت در ایران: یک تحلیل نظری و تجربی». آینده‌پژوهی مدیریت، شماره ۲ (پیاپی ۱۳)، صفحات: ۲۳-۳۴.
۵۶. قبادی، سارا؛ کمیجانی، اکبر. (۱۳۹۸). «تیین رابطه میان سیاست پولی-ارزی و بدهی دولت و تاثیر آنها بر تورم و رشد اقتصادی در ایران». نشریه: مطالعات اقتصاد بین‌الملل، صفحات: ۱-۲۱.
۵۷. دژپسند، فرهاد؛ سالاری، محمد؛ محسنی، رضا. (پاییز ۱۴۰۳ ه.ش. / ۲۰۲۴ م.). «آثار تورمی جبران کسری بودجه به وسیله استقراض از بانک مرکزی و فروش اوراق در بازار سرمایه». راهبرد اقتصادی، سال ۱۳، شماره ۵۰.
۵۸. حمزه، اسما؛ عطاطلب، فاطمه. (۱۳۹۸ ه.ش. / ۲۰۱۹ م.). «بررسی اثر تحریم بر صنعت بیمه با تأکید بر تورم و مشکلات نقل و انتقالات پولی». نشریه: اقتصاد مالی، (۱۳۹۸)، صفحات: ۱۴۷-۱۶۵.



۵۹. سادات اخوی، سیدمحمد؛ حسینی، سیدشمس‌الدین. (۱۳۹۶ ه.ش. / ۲۰۱۷ م.). «ارزیابی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر تورم اقتصاد ایران». نشریه: اقتصاد کاربردی، (۱۳۹۶)، صفحات: ۳۳-۵۰.
۶۰. ابوالحسنی هستیانی، اصغر؛ علمی مقدم، مصطفی؛ منصوری، نسرین؛ امینی میلانی، مینو. (۱۴۰۱ ه.ش. / ۲۰۲۲ م.). «بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر نرخ تورم در ایران (رویکرد فازی)». نشریه: سیاست‌های مالی و اقتصادی، (۱۴۰۱)، صفحات: ۱۸۷-۲۳۵.
۶۱. صادقی، عبدالرسول؛ طیبی، سیدکامیل. (۱۳۹۷ ه.ش. / ۲۰۱۸ م.). «اثرات تحریم‌های بین‌المللی و سایر عوامل تأثیرگذار بر نرخ تورم در ایران (۱۳۶۰-۱۳۹۳)».
۶۲. وصفی اسفستانی، شهرام؛ ابوالحسنی هستیانی، اصغر؛ شایگانی، بیتا؛ امینی میلانی، مینو. (۱۴۰۱ ه.ش. / ۲۰۲۲ م.). «بررسی اثرات تحریم‌های تجاری بر اقتصاد ایران با استفاده از روش تعادل عمومی قابل محاسبه: با تأکید بر تولید و قیمت‌ها». نشریه: پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، (۱۴۰۱)، صفحات: ۷-۴۷.
۶۳. شجری، هوشنگ؛ اربابیان، شیرین؛ رفعت، بتول. (۱۳۸۵ ه.ش. / ۲۰۰۶ م.). «بررسی رابطه متقابل تورم و کاهش ارزش خارجی پول در ایران». مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، (۱۳۸۵)، صفحات: ۴۱-۵۰.
۶۴. مهربانی بشرآبادی، حسین؛ شرافتمند، حبیبه؛ باغستانی، علی‌اکبر. (۱۳۹۰ ه.ش. / ۲۰۱۱ م.). «بررسی تأثیر شوک‌های نرخ ارز و شکاف تولید بر تورم در ایران». نشریه: دانش و توسعه، (۱۳۹۰)، صفحات: ۲۹۴-۳۱۲.
۶۵. خضرزادگان، حامد و حیدری، حسن. (۱۴۰۳). اثرات نامتقارن نرخ ارز بر انتظارات تورمی در اقتصاد هدف گذاری تورمی ایران. تحقیقات اقتصادی، ۵۸، ۶۱۵-۶۳۵.
۶۶. کیخا، رمضان؛ زاینده‌رودی، محسن؛ رئیس‌پور، رجبعلی. (۱۴۰۳ ه.ش. / ۲۰۲۴ م.). «بررسی سیاست افزایش نرخ ارز، شکاف نرخ ارز و نوسانات نرخ ارز هدف در خلق مزیت تجارت خارجی در چهارچوب نظام اقتصاد مقاومتی بر اساس مدل سازی نوسانات نرخ ارز». نشریه: تحولات سیاسی-اجتماعی معاصر ایران، سال ۱۴۰۳، دوره ۳، شماره ۲، صفحات: ۳۲۵-۳۴۴.
۶۷. ماندر، لوک؛ خلیل، رانا. (۱۴۰۰ ه.ش. / ۲۰۲۱ م.). «تحلیل بحران اقتصادی لبنان ۲۰۱۹-۲۰۲۱: فروپاشی بانکی، بدهی و ابرتورم». نشریه مطالعات اقتصادی منطقه‌ای، جلد ۸، شماره ۲، صفحات ۱۰۲-۱۲۴.
۶۸. فرانکل، مندرس، ماریا. (۱۳۹۸ ه.ش. / ۲۰۱۹ م.). «ریشه‌های تورم مزمن در آمریکای لاتین: مورد آرژانتین و برزیل قبل از ۱۹۹۴». فصل‌نامه مطالعات پولی-اقتصادی، جلد ۱۲، شماره ۳، صفحات ۴۵-۶۸.
۶۹. صندوق بین‌المللی پول. (۲۰۲۰ م. / ۱۳۹۹ ه.ش.). «لبنان: گزارش بررسی‌های اقتصادی-بحران مالی و پیامدهای اجتماعی ۲۰۱۹-۲۰۲۰». گزارش صندوق بین‌المللی پول، صفحات ۱-۵۸.
۷۰. صندوق بین‌المللی پول. (۲۰۲۲ م. / ۱۴۰۱ ه.ش.). «سریلانکا: گزارش بررسی ویژه بحران اقتصادی ۲۰۲۱-۲۰۲۲». گزارش صندوق بین‌المللی پول، صفحات ۱-۶۴.
۷۱. بانک جهانی. (۲۰۱۷ م. / ۱۳۹۶ ه.ش.). «مصر: بررسی اثرات حذف یارانه‌ها و اصلاحات اقتصاد کلان (۱۹۷۷ و ۲۰۱۶-۲۰۱۷)». گزارش سیاستی بانک جهانی، صفحات ۱-۷۲.
۷۲. بنیامین، اولریش؛ شوارتز، کارل. (۱۳۹۹ ه.ش. / ۲۰۲۰ م.). «اصلاحات پولی آلمان در ۱۹۲۳: رنتن مارک و بازگرداندن ثبات پس از ابرتورم». نشریه تاریخ اقتصاد، جلد ۱۵، شماره ۱، صفحات ۱۲-۳۹.



راهکارهای برون‌رفت از تورم مزمن (درس‌های جهانی و نقش وزارت صمت)

۷۳. فریرا، ماریو؛ گومز، لوسیا. (۱۳۹۷ ه.ش. / ۲۰۱۸ م.). «برنامه رئال برزیل (۱۹۹۴): URV و تثبیت تورم.» نشریه مطالعات پولی-اقتصادی، جلد ۲۲، شماره ۴، صفحات ۷۷-۱۰۱.
۷۴. مندز، پائولا؛ سوارز، ریکاردو. (۱۳۹۷ ه.ش. / ۲۰۱۸ م.). «برنامه رئال: طراحی URV و تأثیرات آن بر تورم و رشد اقتصاد برزیل.» فصل‌نامه اقتصاد توسعه، جلد ۱۴، شماره ۲، صفحات ۶۶-۹۲.
۷۵. متز، جک؛ لویی، سامانتا. (۲۰۱۵ م. / ۱۳۹۴ ه.ش.). «پیامدهای اجتماعی ابرتورم: تغذیه، مهاجرت و فروپاشی سرمایه انسانی.» Journal of Economic History، جلد ۷۵، شماره ۲، صفحات ۲۸۹-۳۱۴.
۷۶. ویر، ایزابل. ترجمه: زهرا کریمی. (۱۴۰۴ ه.ش. / ۲۰۲۶ م.). چگونه چین از شوک درمانی گریخت. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۷۷. هانکه، کوک؛ آنتونی کی. اف. (۱۳۸۸ ه.ش. / ۲۰۰۹ م.). «اندازه‌گیری ابرتورم در زیمبابوه.» نشریه: کاتو ژورنال، جلد ۲۹، شماره ۲، صفحات ۳۵۳-۳۶۴.
۷۸. صندوق بین‌المللی پول. (۲۰۱۸ م. / ۱۳۹۷ ه.ش.). «پیش‌بینی: نرخ تورم ونزوئلا تا پایان ۲۰۱۸ به ۱,۰۰۰,۰۰۰ درصد خواهد رسید.» گزارش خبری منتشرشده در رپورتیژ ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۸.
۷۹. IranStat. (داده‌ها: ۱۳۱۶-۱۴۰۴ ه.ش.). «نرخ تورم (۱۳۱۶-۱۴۰۴) - مجموعه داده‌ها و فایل اکسل شاخص قیمت مصرف‌کننده: سری زمانی سالانه و ماهانه.
۸۰. سامانه ملی داده‌های مرجع - data.gov.ir. (داده‌ها: ۱۳۱۵-۱۴۰۴ ه.ش.). «سری زمانی شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (۱۰۰=۱۳۹۵).»
۸۱. آمار بر پایه گزارش‌هایی مانند «بررسی تطبیقی عملکرد اقتصاد ایران در برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی (برنامه‌های اول تا ششم)». گزارش شماره ۱۸۰۴۸ مرکز پژوهش‌های مجلس، و داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است.
۸۲. Amar fact (آمارفکت). (به روزرسانی ۱۴۰۴). «آمار تورم در ایران از سال ۱۳۱۶ تا ۱۴۰۴ - صفحه تحلیلی با جداول و نمودارها (منابع: مرکز آمار ایران/بانک مرکزی).»
۸۳. مرکز ملی رقابت / شورای رقابت. «شاخص‌های اقتصاد کشور.» گزارش / <https://nicc.gov.ir/center/the-economy.html>
۸۴. مرکز پژوهش‌های مجلس. گزارش برنامه‌های توسعه و شاخص‌ها. <https://rc.majlis.ir/fa/news/show>
85. Financial Tribune. (2016). «Growth Target at 8% in 6th Development Plan.» <https://financialtribune.com/articles/energy/35366/growth-target-at-8-in-6th-development-plan>
86. Gulf International Forum. «Why Iran's Sixth Development Plan Failed.» <https://gulffif.org/why-irans-sixth-development-plan-failed/>



مؤسسه مطالعات پژوهش های بازرگانی

پژوهشکده توسعه صنعتی و معدنی

گروه مطالعات و پژوهش های صنعت

تهیه کننده:

محمد رضائی پور

ناظر علمی:

افسانه شفیعی

اظهار نظر کننده:

علی دینی ترکمانی

تاریخ انتشار:

بهمن ماه ۱۴۰۴



www.itsr.ir

اداره توانمندسازی مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

مدیر و طراح گرافیک:

مهدی کشاورز افشار

نسخه اول:

۱۴۰۴، ۱۱، ۲۶



موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
The Institute for Trade Studies & Research

راهکارهای برون‌رفت از تورم مزمن
(درس‌های جهانی و نقش وزارت صمت)



موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

WWW.ITSR.IR

آدرس: خیابان کارگر شمالی، بالاتر از بلوار کشاورز، نبش کوچه همدان، پلاک ۱۲۰۴

تلفن: ۸۰-۶۶۴۲۳۳۷۸-۸۰ نمابر: ۶۶۹۲۹۶۳۴

info@itsr.ir



www.itsr.ir